

تحلیل جامعه‌شناختی جزاهای بدیل حبس در حقوق کیفری افغانستان



حسین شریفی زیرکسار^{۱*}، دکتر امید رستمی غازانی^۲



چکیده

مجازات حبس از جمله واکنش‌های کیفری اند، که جهت استقرار نظم اجتماعی و تأمین عدالت، اعمال می‌شوند. جزاهای بدیل حبس، در اثر بروز نظریه‌های جرم‌شناختی انتقادی در قرن نوزدهم و نظریه‌های حبس‌زدایی، مطرح گردید. قانون‌گذار افغانستان به تبعیت از نظریه‌های مکتب‌های الغاگری، جنبش‌های حبس‌زدایی و اسناد بین‌المللی، جزاهای بدیل حبس را در سال ۱۳۹۶ به‌عنوان مجازات اصلی تعیین نموده است. جدید بودن جزای بدیل حبس به‌عنوان مجازات اصلی در کُد جزا و چه‌گونه‌گی تطابق آن با فرهنگ حاکم، ضرورت ایجاب می‌کند در این خصوص تحقیقی صورت گیرد. هدف این تحقیق بررسی جزاهای بدیل حبس، کارکرد آن در اصلاح بزه‌کار و چه‌گونه‌گی پذیرش آن به‌عنوان یک پدیده اجتماعی در جامعه افغانستان بوده است. پرسش این بوده است، که کارکرد جزاهای بدیل حبس از منظر جامعه‌شناختی چه‌گونه است؟ بازخورد جزاهای بدیل حبس در اصلاح و بازپروری مجرمان چیست؟ تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، با استفاده از ابزار کتاب‌خانه‌یی برای جمع‌آوری داده‌ها، در حقوق جزای افغانستان صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق آن است که: قانون‌گذار، جزاهای بدیل حبس را برای اولین بار به شکل مدرن آن به‌عنوان مجازات اصلی، تعیین نموده است. تا آن‌جایی که جزاهای بدیل حبس در جامعه تطبیق شده است، باتوجه به مجازات حبس، در قسمت اصلاح و بازپروری مجرم نقش مؤثرتری داشته است. تبدیل نمودن جزای حبس به جزای بدیل در هنگام کیفردهی، بیان‌گر انعطاف‌پذیری قانون‌گذار در خصوص بزه‌کاران به‌منظور فراهم‌سازی زمینه اصلاح آنان است. هرچند عدم نظارت دقیق از اجرای آن، عدم وسایل و ابزار لازم در نظارت الکترونیکی و عدم فرهنگ‌سازی در بین قضات به تعیین کیفرهای بدیل حبس، از جمله مشکلاتی است، که در اجرای آن قرار دارند.

واژه‌گان کلیدی: جزا، حبس، بدیل حبس، حقوق کیفری افغانستان.

^{۱*} دانش‌جوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانش‌گاه/ پوهنتون بین‌المللی اهل‌بیت^(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسؤول:

ziraksar874@gmail.com)

^۲ استادیار رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانش‌گاه/ پوهنتون بین‌المللی اهل‌بیت^(ع)، تهران، ایران (O.rostamighazani@gmail.com)

این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر شده است.

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.13.I.2.7>

Received: 09/ 03/ 2024

Accepted: 26/ 05/ 2024

Published: 29/ 06/ 2024

PP: 121 - 145

Ghalib

Sociological Analysis of Alternative Sanctions to Imprisonment in Afghanistan Criminal Justice System

Hussain Sharifi Ziraksari^{1*}, Omid Rostami Ghazani²

Abstract

Imprisonment is one of the criminal reactions, which is applied to establishment of social order and ensure justice. Alternative punishments of imprisonment were proposed as a result of the emergence of critical criminology theories in the 19th century and de-imprisonment theories. According to the theories of the abolitionist schools, the movements of de-imprisonment and international documents, the Afghan legislator has determined the alternative punishments of imprisonment as the main punishment in 2016. The novelty of the alternative punishment of imprisonment as the main punishment in the penal code and how it matches with the prevailing culture needs a research in this regard. The purpose of the research is to study the alternative punishments of imprisonment, its function in reforming the criminal and how it is accepted as a social phenomenon in the Afghan society. The question is, what is the function of alternative prison sentences from a sociological point of view? What is the feedback of alternative prison sentences in correction and rehabilitation of criminals? This research has been done in a descriptive-analytical way, using a library tool to collect data, in the criminal law of Afghanistan. The findings of the research are; The legislator has determined the alternative punishments of imprisonment for the first time in its modern form as the main punishment. As far as the alternative punishments of imprisonment have been implemented in the society, according to the punishment of imprisonment, it has played more effective roles in the part of reforming the criminal. Chnging imprisonment to an alternative punishment during punishment shows the flexibility of the legislator regarding the criminals in order to provide the basis for their reformation. However, lack of strict monitoring of its implementation, lack of necessary tools and equipment for electronic monitoring, and lack of culturalizaion among judges to determine alternative punishments to imprisonment are among the problems in its implementation.

Keywords: punishment, imprisonment, alternative imprisonment, criminal law of Afghanistan.

¹ PhD student in Criminal Law and Criminology, Al-Mustafa International University, Tehran, Iran (Corresponding author: ziraksar874@gmail.com)

² Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Al-Mustafa International University, Tehran, Iran (O.rostamighazani@gmail.com)



۱. مقدمه

با نگاهی به مکتب‌های حقوق کیفری، تا قبل از قرن نوزدهم میلادی، مجازات حبس یکی از مجازات‌های اصلی بود، که بر مجرمان اعمال می‌شد. مکتب کلاسیک به رهبری سزار بکاریا به قطعیت، حتمیت و سرعت در مجازات مجرمان تأکید داشت. از نظر وی، مجرم شخصی است، که قواعد اجتماعی را زیر پا گذاشته و باید محکوم به مجازات گردد. با ظهور مکتب‌های دیگری هم‌چون تحقیقی، اثباتی و عدالت مطلقه، دیدگاه‌های جدیدی در عرصه حقوق کیفری مطرح گردید. بنابراین روی کرد، مجرم تنها آن شخصی نیست که قواعد اجتماعی را بنابر منفعت خویش و یا مبتنی بر اراده آزاد، مرتکب رفتار ممنوعه شده باشد؛ بل که مجرم شخصی است، که تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی قرار گرفته، این عوامل باعث به‌وجود آمدن رفتارهای ضداجتماعی شده و قرارداد اجتماعی را نقض کرده است. بر این مبنا است، که مجرمان در قدم نخست می‌بایست اصلاح و درمان گردیده و زمینه بازاجتماعی شدن آن‌ها در جامعه مهیا گردد تا دیگر مرتکب جرم نگردند. یکی از موضوعات در نظام قضایی هر کشور، بحث اعمال مجازات است، که از این طریق می‌تواند نظم عمومی را در جامعه تأمین نموده و واکنشی علیه کنش‌گران نظم اجتماعی انجام دهد؛ از این‌رو، شهروندان کشوری در صلح و امنیت زنده‌گی می‌کنند که نظام قضایی آن هم‌آهنگ با واقعیت‌های عینی اجتماعی آن جامعه باشد. نظام مجازات آن‌ها قابلیت داشته باشد که حتا در شرایطی که امکان ارتکاب جرم وجود دارد و افراد می‌توانند مرتکب جرم شوند، هزینه‌ها (مجازات) آن به‌اندازه‌ی باشند که اجازه ارتکاب جرم را به افراد ندهند. در صورت ارتکاب جرم، راه‌کاری سنجیده شود تا زمینه تکرار جرم به بزه‌کار داده نشده و درعین‌حال شرایط اصلاح و بازاجتماعی شدن وی مهیا گردد.

تا قبل از قرن هجدهم میلادی حبس‌های کوتاه‌مدت رایج بود؛ اما در قرن هجدهم به‌ویژه در نیمه دوم این قرن، حبس‌های کوتاه‌مدت مورد آماج حملات سنگین قرار گرفت؛ زیرا اهداف اولیه مجازات‌ها، که اصلاح و تربیت بزه‌کار بود، برآورده نتوانستند. برخی از کشورها، به‌جای حبس‌های کوتاه‌مدت، مجرمان را به حبس تعلیقی و یا به کارهای اجباری، محکوم می‌نمودند که این رویه، بخشی از نظام عدالت کیفری آن کشور را به خود اختصاص می‌داد. این موارد در پاسخ به انتقادهای مستمر و سازمان‌های بین‌المللی بود که به‌عنوان عدم کارایی زندان و بهبود جای‌گزین‌های سنتی حبس مثل جزای نقدی اجرا می‌شدند (گودرزی و مقدادیان، ۱۳۸۴: ۶۸). درمان و بازپروری دسته‌ی از مجرمان اصلاح‌پذیر برای جامعه نه‌تنها برای بقیه شهروندان قانون‌مند خطر جدی نداشت؛ بل که زندانی ساختن آن‌ها، آسیب‌واردن نمودن به اجتماع و ناموجه خواهد بود. افزون بر آن، چنان‌چه بتوان با پیش‌بینی دسته‌ی از مجازات‌ها، آزادی مجرمان را به تناسب جرم ارتکابی آنان و میزان خطرناک بودن جرم‌شان، محدود کرد، پافشاری نمودن بر محکومیت مجرم در زندان، کاری بس

تحلیل جامعه‌شناختی جزاهای بدیل حبس در حقوق کیفری افغانستان [غالب]

ناعادلانه و غیرمفید است (همان: ۱۳). محیط و شرایط زندان نه تنها بر بازپروری شخصیت مجرم و اجتماعی شدن او کمک نمی‌کند؛ بل که سبب هتک حرمت زندانی شده، آسیب‌های روحی و روانی شدیدی را بر وی وارد خواهد کرد و همچنین خُرده‌فرهنگ‌های مجرمانه زندان را نیز می‌آموزد. این عوامل باعث خواهند شد که مجازات زندان نه تنها مجرمان را اصلاح و درمان نکرده، بل که اسباب جرم‌زایی و مجرم‌پروری را نیز فراهم کند (بن سعید و هم‌کاران، ۱۳۹۹: ۲۷۸). از طرف دیگر، زندان در سطح جامعه نیز دارای توالی فاسدی مانند بالابردن نرخ بزه‌کاری، تورم جمعیت زندانیان و بالابردن هزینه‌های دولت در مبارزه با جرایم می‌شود.

هر واکنش کیفری که در پاسخ به رفتارهای نابه‌هنجار، در قوانین کیفری گنجانیده شود، مشکلات خودش را در تعمیم، نحوه اجرا، مؤثریت و کارکرد آن دارد. جوان و نوپا بودن جزاهای بدیل حبس به شکل مدرن آن و چه‌گونه‌گی سازوکاری آن با فرهنگ و جامعه افغانستان، جدا از مؤلفه مذکور نیست؛ بنابراین، از این که جزاهای بدیل حبس به‌عنوان یک واکنش مؤثر برای پدیده مجرمانه در حقوق بیش‌تر کشورها پذیرفته شده است، ضرورت ایجاد می‌کند که جزاهای بدیل حبس با توجه به فرهنگ حاکم در جامعه افغانستان، از نگاه جامعه‌شناختی، مورد تحلیل و ارزیابی صورت گیرد. اگر از نگاه جامعه‌شناختی به پدیده مجرمانه نگریسته شود، جرم همانند سایر پدیده‌های اجتماعی است، که در جامعه و هم‌زاد با بشر، متناسب به وضعیت اجتماعی حاکم در زمان خودش، وجود داشته و خواهد داشت. جامعه‌شناسان هم‌چون امیل دورکیم، جرم و مجازات را نه تنها پدیده اجتماعی، بل که آن را دارای کارکرد چون «وفاق اجتماعی» می‌داند. به دیگر سخن، حیات جرم هم‌زمان با حیات جامعه انسانی شروع شده و با توجه به حفظ کارکرد آن در جامعه به حیات خود نیز استمرار می‌دهد (رستمی‌غازانی، ۱۴۰۱: ۱۱۲۴ و ۱۱۲۵). با آن که نگاه به مجرمان هم در حال تغییر است، ولی بازهم تا هنوز در بین عوام مردم و حتا نهادهای قضایی، مجرمان را با فرضیه بالفطره و سودانگار می‌بینند. بر همین دیدگاه، مؤثریت و کارکرد مجازات را در شدت اجرای آن می‌بینند. تحلیل جزاهای بدیل حبس از منظر جامعه‌شناختی و بررسی کارکرد آن نسبت به حبس، برای نهادهای عدلی و قضایی در اجرای عدالت قضایی مؤثر بوده و دارای اهمیت خاص می‌باشد؛ زیرا از این منظر، دیدگاه عقلایی و تصورات واقع‌بینانه نسبت به جرم و تعیین واکنش متناسب با آن، با توجه با سیاست کیفری افغانستان صورت می‌گیرد.

در خصوص جزاهای بدیل حبس در نظام حقوق کیفری افغانستان تحقیقاتی صورت گرفته است؛ اما تحقیقات مذکور به همه ابعاد جزاهای بدیل حبس در گد جزا توجه نکرده است. عبدالله الهام، پایان‌نامه‌یی را در دانش‌گاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۹۹ تحت عنوان «بديل‌های حبس در قوانین کیفری ایران و افغانستان» به صورت تطبیقی کار کرده است. محمد صادق حلیمی در دانش‌گاه

جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه - واحد گرگان در سال ۱۴۰۰، پایان‌نامه‌یی را تحت عنوان «مجازات جای‌گزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران و افغانستان» نیز به صورت تطبیقی بررسی کرده است. هر یک از پایان‌نامه‌های مذکور، جزای‌های بدیل حبس را به‌صورت کلی و باتوجه به حقوق کیفری هر دو کشور مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما نقطه عطف مقاله حاضر، تحلیل جزای‌های بدیل حبس در حقوق افغانستان از منظر جامعه‌شناختی است. در این مقاله علاوه بر تبیین جزای‌های بدیل حبس، تحلیل جامعه‌شناسانه از کارکرد آن در خصوص اصلاح بزه‌کاران و چه‌گونه‌گی انطباق آن با فرهنگ حاکم صورت گرفته که بیان‌گر ویژه‌گی جدیدبودن تحقیق حاضر است. هدف تحقیق، شناسایی و تبیین جزای‌های بدیل حبس از منظر جامعه‌شناختی و تحلیل کارکرد آن در خصوص اصلاح و بازاجتماعی‌کردن بزه‌کاران باتوجه جامعه افغانستان است. تحلیل تغییرپذیری فرهنگ حاکم در جامعه افغانستان از نگاه سودانگاران به جرم و مجرم به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و تحت تأثیر عوامل اجتماعی، یکی دیگر از اهداف تحقیق به‌شمار می‌رود؛ بنابراین، سؤال اصلی آن است که باتوجه به کُد جزای افغانستان، جزای‌های بدیل حبس از منظر جامعه‌شناختی چه‌گونه مورد تحلیل قرار می‌گیرد؟ جزای‌های بدیل حبس نسبت به جزای حبس، در خصوص اصلاح و بازاجتماعی‌کردن بزه‌کاران چه‌گونه بوده است؟ تحقیق حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع و ابزار کتابخانه‌یی انجام یافته است، که از موضوعات مورد بحث از قوانین و کتاب‌های متذکره فیش‌برداری و بعداً مورد تحلیل و توصیف قرار گرفته است.

در یک دهه اخیر، روی کرد قانون‌گذار به افرادی که رفتارهای نابه‌هنجار را مرتکب می‌شوند تغییر کرده است. تغییراتی که در انواع کیفر در کُد جزای افغانستان آمده است، بیان‌گر متأثرشدن حقوق کیفری افغانستان از اسناد بین‌المللی است. بدین مفهوم، نگاه تک‌بعدی به مجرمان که او را مسؤول تمام رفتارهای مجرمانه می‌دانست، تعدیل یافته است. آمارهای منتشره از سازمان بین‌المللی زندان‌ها (<https://www.prisonstudies.org/country/afghanistan>)، کمیسیون مستقل حقوق بشر^۱ قبل از تصویب کُد جزای افغانستان، بعد از آن و دیدگاه‌های مسؤولان نهادهای عدلی، قضایی و مدنی بیان‌گر کارکرد مثبت جزای بدیل حبس در خصوص اصلاح و بازپروری مجرمان است. با استفاده از جزای‌های مذکور در جرایم کم‌اهمیت، از یک طرف هزینه‌های اضافی زندان از دوش دولت برداشته شده و از طرف دیگر بزه‌کاران در محیط پرورش مجرمان قرار نگرفته و با اعمال جزای‌های بدیل حبس، فرصت بازاجتماعی‌شدن آن‌ها فراهم می‌شوند.

۱. برای معلومات بیشتر ر.ک: به گزارش‌ها سالانه کمیسیون مستقل بشر از سال ۱۳۹۸-۱۳۹۴.

۲. مفهوم بدیل حبس

بدیل در لغت به معنای هر چه جای دیگری بود؛ آن چه به جای دیگری واقع شود (دهخدا، ۱۳۷۲: ۳۸۶۳). گاهی آن را به معنای جانشین، جای‌گزین، قایم‌مقام در اشیا و اموال گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۸۲۳). در مفهوم بدل، جای‌گزینی وجود دارد، خواه جای‌گزینی به حکم عقد از عقود باشد (بدل قراردادی) یا به حکم قانون باشد (بدل قانونی) (همان‌جا). بدیل در اصطلاح به چیزی گفته می‌شود که جای چیز دیگری که در حال حاضر قابل اعمال نیست یا وجود آن از اول با موانع روبه‌رو بوده است، گفته می‌شود (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۲۱). قانون‌گذار افغانستان مجازات جای‌گزین حبس را تحت عنوان جزاهای بدیل حبس، در فصل جزاهای اصلی آورده است. ماده ۱۴۸ کد جزای افغانستان در تعریف جزای بدیل حبس بیان نموده است: «بدیل حبس جزایی است، که بالای مرتکب جرم به عوض حبس، به شکل‌هایی مقید از طرف محکمه حکم می‌شود». تعریف کد جزای افغانستان بیان‌گر آن است که این مجازات به جای (بدیل) حبس بر مجرمان اعمال می‌شود، نحوه اجرای آن به صورت‌هایی موقت است؛ یعنی شخصی محکوم، در خارج از زندان مجازات را دریافت می‌کند. تفاوتی که واژه (بدیل) با واژه (جای‌گزین) دارد، در عدم رجوع جزاهای بدیل حبس به حبس است؛ یعنی محکوم‌علیه که به جزاهای جای‌گزین حبس محکوم شده و در صورت عدم رعایت مقررات جای‌گزین حبس، مجازات حبس وی قابل اجرا است؛ اما در جزای بدیل حبس، این نوعی از جزا خودش جزو جزاهای اصلی بوده و به صورت مستقل قابلیت تطبیق را دارد؛^۱ صرف در صورتی که محکوم‌علیه در زمان سپری شدن جزای بدیل حبس مرتکب جرم دیگری شود، علاوه بر مجازات جرم دومی، مدت جزای باقی‌مانده از جزای بدیل حبس، به صورت حبس تنفیذی با جزای فعلی قابل تطبیق است.^۲ عده‌یی از حقوق‌دانان، بدیل‌های حبس را با تدابیر تأمینی یکی می‌دانند، اما با وجود مشابهت‌های زیادی در بین آن‌ها، ویژه‌گی‌های خاصی که از هم‌دیگر دارند متفاوت است (الهام، ۱۳۹۹: ۴۱)؛ زیرا بدیل‌های حبس به عنوان مجازات اصلی بر مرتکبان جرم اعمال می‌شوند؛ اما تدابیر تأمینی در کنار مجازات اصلی (اعم از حبس و بدیل) به عنوان تدابیر محدودکننده آزادی محکوم‌علیه به جهت حالت خطرناکی آن، بر وی اعمال می‌گردد. هرچند هر دو کیفر فوق در خارج از زندان اعمال می‌شوند؛ اما هدف از تدابیر تأمینی جلوگیری از ارتکاب جرایم مکرر است.

^۱ . ماده ۱۴۱، کد جزای افغانستان: «بدیل حبس جزایی است که بالای مرتکب جرم به عوض حبس، به شکل‌هایی مقید از طرف محکمه حکم می‌شود».

^۲ . ماده ۱۵۲، کد جزای افغانستان: «هرگاه محکوم‌علیه حین سپری نمودن جزای بدیل حبس به اتهام جرم دیگری محکوم به حبس شود، مدت باقی‌مانده جزای بدیل حبس به حبس تنفیذی تبدیل و با مجازات جرم جدید یکجا تطبیق می‌گردد».

تعریف حقوقی جزاهای بدیل حبس، یک معنای عام و فراگیر است، که شامل همه مجازات جایگزین حبس اعم از گونه‌های سنتی (تعلیق مجازات، آزادی مشروط و جزای نقدی) و گونه‌های مدرن (محرومیت از حقوق اجتماعی، دوره مراقبت، حبس در منزل و انجام خدمات عامه) را شامل می‌شود. تعریفی که قانون‌گذار افغانستان در ماده ۱۴۸ کد جزا، از جزاهای بدیل حبس ارائه کرده و مصادیقی که در ماده ۱۵۰ ذکر شده است، بیان‌گر یک مفهوم خاص از جزاهای بدیل حبس است؛ زیرا در این‌جا هدف از جزاهای بدیل حبس معنای خاص است، که به لحاظ زمانی به پس از محاکمه و صدور حکم مربوط می‌شود و محکوم علیه می‌تواند تمام مجازات را در خارج از محیط زندان سپری کند. هم‌چنان قانون‌گذار عدم رعایت شرایط این تدبیر را با ضمانت اجرای محکومیت به جزای حبس که در ابتدا برای جرم تعیین شده، در نظر گرفته است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۸: ۴۲۱).

۳. فرایند شکل‌گیری جزاهای بدیل حبس

ظهور مکتب الغاگرایی (دفاع اجتماعی) و جنبش‌های حبس‌زدایی و کیفرزدایی، نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف را متأثر ساخت، که از اثر آن جزاهای بدیل حبس وارد نظام‌های جزایی گردید. از این‌رو تبیین فرایند شکل‌گیری جزاهای مذکور نیازمند آن است، نخست در جهان و به تعقیب آن در نظام حقوقی افغانستان مورد بررسی قرار بگیرد.

۱-۳. فرایند شکل‌گیری جزاهای بدیل حبس در جهان

روی‌کرد علمی به جرم در قرن ۱۸ میلادی به رهبری سزار بکاریا در مکتب کلاسیک، با هدف تنبیه مجرم و ایجاد نظم در جامعه، بر می‌گردد (میرزایی، ۱۳۷۳: ۵۵). ایده تنبیه در این مکتب به‌منظور اصلاح و بازپروری مجرم نبود، بل که صرفاً هدف از آن تأمین نظم در جامعه، بازپروری و تناسب مجازات با جرم ارتكابی بود (صادقی فسایی و پروین، ۱۳۸۹: ۲۱۵). مکتب کلاسیک در سال‌های ۱۷۸۹ م مطرح شد و بر عقلانیت، اختیار و آزادبودن انسان تأکید داشت (میرزایی، ۱۳۷۳: ۵۵). مکتب مذکور به مطالعه مجرمان علاقه نداشت، بل که به مطالعه پروسه قانون‌گذاری و حقوقی آن بیش‌تر متمرکز بود (صادقی فسایی و پروین، ۱۳۸۹: ۲۱۵). آن‌چه به‌عنوان برآمد این مکتب می‌باشد، تعریف قانونی از جرم بوده و اجرای مجازات متناسب با رفتار ممنوعه است. به دلیل عدم موفقیت مکتب کلاسیک در عرصه ایجاد نظم در جامعه و اصلاح مجرمان، مکتب دیگری به‌وجود آمد، که به مراقبت و ارائه خدمات برای همه اعضای جامعه جهت جلوگیری از وقوع جرم تأکید داشت. مکتب الغاگرایی در پایان دهه ۱۹۶۰ با هدف لغو مجازات یا حتا کل نظام کیفری، ظهور کرد (میرزایی، ۱۳۷۳: ۵۵). اندیشه الغاگرایی کیفری توسط آنری کوفری با بیان استفاده از «جانشین‌های کیفری» با توجه به

شکست جنبه عبرت‌آموزی مجازات و عدم کارکرد مجازات حبس در زمینه پیش‌گیری از جرم، بیان گردید (نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۳: ۱۵۳). الغاگرایی کیفری بعد از فری توسط فیلیوگراماتیکا و مارک آنسل در مکتب جنبش دفاع اجتماعی نوین، توسعه داده شد. گراماتیکا از جمله تدریج‌های این مکتب است، او مخالف مسؤولیت کیفری در نظام حقوقی بود و حتا به‌طور کلی خواهان لغو فرایند کیفری بود. مارک آنسل از نظریه‌پردازان مکتب دفاع اجتماعی خواهان حفظ چهارچوب حقوق کیفری بود؛ چون حقوق کیفری را نیاز جامعه و حکومت می‌دانست؛ اما خواهان قضازدایی در ساختار حقوق کیفری بود (پرادل، ۱۳۹۰: ۱۱۹ و ۱۲۰). الغاگرایان بر این باور اند که مشکلات و اختلاف‌های اجتماعی ناشی از جرم، همانند سایر پدیده‌های اجتماعی جزو ذات زنده‌گی اجتماعی به‌شمار می‌روند. بدین مفهومی که جرم همیشه در جامعه وجود داشته و خواهد داشت. در این مکتب هدف از مجازات جبران ضرر و زیان‌های وارده از جرم است، نه اخذ انتقام، در واقع آنچه مورد نظر این مکتب است؛ حصول صلح و سازش و توافق طرفین دعوی است، نه اعمال سرزنش و خواری مجرم (میرزایی، ۱۳۷۳: ۶۰).

مکتب دفاع اجتماعی که از جنبش تحقیقی ایتالیایی اواخر قرن نوزدهم به سرکرده‌گی لمبروزو، فری و گاروفالو نشأت گرفته است، از سیاست کیفری سرکوب‌گر سده‌های گذشته بسیار فاصله دارد. این مکتب تأثیر زیادی در قوانین جزایی بیش‌تر کشورها گذاشته است. بدین مفهوم، واکنش سنجیده علیه بزه‌کاری، حقوق فردی، نقد نهادهای کیفری موجود، ایجاد نظام کیفری ویژه اطفال و نوجوانان بزه‌کار، اصلاح زندان‌ها، پیش‌گیری از ارتکاب جرم، به‌ویژه جای‌گزین‌های مجازات زندان از جمله موضوع‌های مهمی است، که توجه حامیان دفاع اجتماعی را به خود جلب کرده است (همان‌جا). ایده‌های مکتب الغاگری نتوانست افزایش بزه‌کاری اطفال و نوجوانان، افزایش جرایم خشونت‌آمیز و سازمان‌یافته را کاهش دهد؛ و گسترش آن‌ها در جامعه، باعث متشنج‌شدن افکار عمومی نسبت به مکتب الغاگری شد. هرچند مقوله‌های این مکتب تأثیر به‌سزایی در حقوق کیفری کشورها گذاشت. با انتقادهایی که از مجازات حبس صورت گرفت، نظام‌های حقوقی کشورها را به‌سوی جای‌گزین‌های حبس کشاند. بنا به دیدگاه‌های مذکور، به دلیل آن‌که امکان لغو و حذف مجازات زندان را فراهم نمی‌دیدند، ضمن پذیرش آن، به‌سوی سازوکارهای خاص، مانند آزادی مشروط، تعلیق مجازات، جزایهای نقدی، و ... رفتند. دیری نگذشت که نظریه‌های کیفرزدایی، زندان‌زدایی و اندیشه‌های جانشین زندان، بر همه نظام‌های حقوقی تأثیر گذاشت، کشورهای مختلف یکی بعد از دیگری به پذیرش و اعمال روش‌های جدید روی آوردند (مرادی و مرادی، ۱۳۹۷: ۱۷۴).

انتقادهایی که بر جرایم حبس در قرن نوزدهم مطرح گردید، شامل مواردی چون کثرت جمعیت کیفری زندانیان، افزایش هزینه‌های اقتصادی دولت، عدم مؤثریت زندان بر اصلاح و تربیت مجرم،

عدم محیط مناسب زندان برای زندانیان، نگهداری مرتکبان جرایم خفیف و شدید در یک محیط و در یک مکان از ایرادهای مطرح شده محسوب می‌گردد (صفاری، ۱۳۶۸: ۳۸). عوامل مذکور باعث گردید که در یک اقدام جداگانه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطع‌نامه شماره ۴۵/۱۱۰ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ تحت عنوان «حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل راجع به اقدامات غیربازداشتی» که به «قواعد توکیو»^۱ معروف است، تدابیری را به منظور جای‌گزین حبس در سه مرحله پیش‌بینی نمایند و کشورهای عضو به منظور تطبیق این قطع‌نامه در قوانین داخلی‌شان تأکید بورزند: «به منظور ایجاد قابلیت انعطاف بیش‌تر منطبق با ماهیت و شدت جرم، شخصیت و سابقه مجرم، حفظ امنیت اجتماع و خودداری از استفاده غیرضروری از مجازات حبس، سیستم قضایی باید برای وضعیت‌های قبل از محاکمه تا بعد از اجرای حکم، یک سری مجازات‌های جای‌گزین را ایجاد کند. به عبارت دیگر، تعداد و نوع مجازات‌های جای‌گزینی که قاضی صادرکننده رأی در اختیار دارد، باید به‌گونه‌یی باشند که مجازات مناسب امکان‌پذیر شوند. علاوه بر این، مجازات‌های جای‌گزین جدید نیز به‌طور مستمر ایجاد شوند و استفاده از آن‌ها باید مورد ارزیابی قرار بگیرند» (منیژه، ۱۳۸۷: ۳۱). هدف از وضع این قواعد، ساختن الگوی جامع به‌منظور اجرای روش‌های سلب آزادی افراد به غیر از موارد حبس در تمام مراحل آیین دادرسی کیفری است (گودرزی و مقدادیان، ۱۳۸۴: ۴۵). در این قواعد، اصول کلی جزاهای بدیل حبس مطرح شده است و در پی آن، قوانینی به مرحله پیش از محاکمه می‌پردازد. سپس اقدام‌هایی که منجر به مرحله اجرای حکم انجام می‌شود، مورد بررسی قرار گیرد. در مرحله سوم، دوره پس از محاکمه و روش‌های کاهش طول دوران محکومیت مورد توجه قرار می‌گیرد؛ این روش‌ها، همان روش‌های کاهش طول دوران محکومیت است، که مورد توجه قرار می‌گیرند. این روش‌ها همان کارهای عام‌المنفعه بوده و می‌تواند جای‌گزین بخشی از دوران محکومیت شوند. نکته‌یی که قابل ذکر است، براساس قواعد توکیو، سلب آزادی افراد در قالب قرارهای تأمین کیفری، باید همیشه به‌عنوان آخرین راه و به‌صورت یک اقدام استثنایی مورداستفاده قرار گیرد (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۳۰).

هم‌چنین، شورای اروپا با تصویب توصیه‌نامه «قواعد اروپایی درباره ضمانت اجراها و بدیل‌های حبس جامعه‌مدار (اجتماعی)»^۲ در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۹۲ به مفهوم «جای‌گزینی» در قلمرو جزای سالب آزادی و تدابیر احتیاطی توقیف، جنبه جهانی بخشیده است. جای شک نیست، مضرات کیفرهای کوتاه‌مدت برای جامعه بسیار خطرناک بوده و از پیامدهای منفی جرم ارتكابی، کم‌تر نیست؛ زیرا، بزه‌کار همین که وارد جمعیت کیفری زندان شود، علاوه بر دریافت برچسب زندانی، زمینه

^۱. United Nations Standard Minimum Rules for Non-Custodial Measures (The Tokyo Rules).

^۲. European Rules On Community Sanctions and Measures.

آشنایی، دوستی و تبادل اطلاعات با بزه‌کاران حرفه‌یی و سابقه‌دار برای او فراهم می‌گردد. از طرفی هم به علت کوتاه‌بودن مدت‌زمان این دسته از حبس‌ها، اعمال تدابیر اصلاحی و تربیتی نسبت به محکومان، غیرممکن می‌باشد. احتمالاً بدین سبب است، که قانون‌گذار بدیل‌های حبس را در قبال کیفرهای مزبور، حسب مورد الزامی و یا الزامی مشروط دانسته است (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۴۲). در این مورد یکی از نویسندگان با اشاره به معایب حبس‌های کوتاه‌مدت، آن را به تعبیر «داروی بدتر از درد» لقب داده است (صلاحی، ۱۳۹۵، ۱۱۸). رمون گسن، حقوق‌دان مشهور فرانسه‌وی در مورد مجازات‌های جای‌گزین حبس بیان می‌دارد: «نباید در استفاده از جانشین‌های کیفر سالب آزادی، زمانی که جانشین‌های مزبور نتایج به‌تری در بردارند تردید کرد» (گسن، ۱۳۷۱: ۲۸۴). پذیرش مجازات‌های بدیل حبس در جامعه مردم‌سالار، حایز اهمیت است؛ معرفی این نوع مجازات بر مردم و کارایی آن نسبت به زندان می‌باشد؛ زیرا مجازات‌های زندان در طی سالیان متمادی در جامعه وجود داشته، مردم با مجازات حبس خو گرفته و آن را به‌عنوان یک مجازات مؤثر تلقی می‌کند؛ با این‌که حبس نمودن بزه‌کار در زندان، علاوه بر هزینه‌های اضافی بر دوش دولت، معایب دیگری نیز به‌هم‌را دارد. بنابراین مجازات‌های بدیل حبس می‌بایست در جامعه معرفی و کارایی که نسبت به زندان دارد، در جامعه ثابت شود تا از حمایت مردمی برخوردار گردد (گودرزی و مقدادیان، ۱۳۸۴: ۳۱).

۲-۳. فرایند شکل‌گیری جزاهای بدیل حبس در افغانستان

جزاهای بدیل حبس در نظام جزایی افغانستان، سابقه طولانی ندارد و اگر به شکل مدرن آن نگاه کنیم، شش سال از عمر آن می‌گذرد اما به شکل سنتی و قدیمی آن از سال ۱۳۵۵ شروع گردیده است. بنابراین فرایند شکل‌گیری جزاهای بدیل حبس، در دو محور قابل بحث است.

۳-۲-۱. جزاهای بدیل حبس در قانون جزای ۱۳۵۵

قبل از ریاست‌جمهوری محمد داودخان، نهادهای جزایی توسط نظام‌نامه‌ها مدیریت می‌شدند. در سال ۱۳۵۵ در دوره ریاست‌جمهوری محمد داودخان اسناد جزایی کشور در قالب «یک قانون جزایی» درآمد و تا سال ۱۳۹۶ هـ. ش قابل اجرا بود. حقوق‌دانان افغانستان در زمان حکومت محمد داودخان متأثر از ایده‌های جنبش کیفرزدایی و انتقادات سختی که بر مجازات حبس وارد شده بودند، برای اولین بار جزاهای بدیل حبس را به شکل سنتی آن در قانون جزای عمومی ۱۳۵۵ هـ. ش، تسجیل نمودند. چنان‌که در ماده نودوهفت قانون مزبور، جزای نقدی، یکی از جزاهای اصلی به شمار

می‌رفت.^۱ آزادی مشروطاً،^۲ عفو^۳ و تعلیق اجرای مجازات^۴ از دیگر جزاهای بدیل حبس بودند، که در مواد مختلف قانون مذکور به شکل سنتی آن تسجیل یافته بودند (حلیمی، ۱۴۰۰: ۲۲).

اگر از دیدگاه جامعه‌شناختی به تغییر رژیم از شاهی مطلقه به ریاست جمهوری و ایجاد جزاهای بدیل حبس به شکل سنتی آن دیده شود؛ دو عوامل می‌تواند در تغییر روی‌کرد مجازات و نظام حکومتی افغانستان تأثیرگذار باشند. نخست، محمدداودخان به حمایت از جناح چپ حزب دموکراتیک خلق افغانستان به قدرت رسیده بود، که این حزب از اندیشه‌های مارکسیستی و لینیستی حمایت می‌کرد و تحت تأثیر آن‌ها قرار داشت (شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، ۱۳۹۹، کُد خبر: ۱۶۵۷۲۶)، دیگر این‌که محمدداودخان تحصیلات عالی را در فرانسه شروع کرده بود، با گذشت چند سال زنده‌گی در فرانسه و قبل از به اتمام‌رساندن آن به افغانستان آمد (لطفی، ۱۳۸۲: ۶۴). فرانسه در قرن نوزدهم میلادی، متأثر از اندیشه‌های مکتب‌الغاگری و جنبش حبس‌زدایی بود، که این می‌تواند بر افکار دانش‌جوی اصلاح‌طلب کشور بیگانه تأثیرگذار باشد.

۳-۲-۲. جزاهای بدیل حبس در کُد جزای افغانستان

بعد از موافقهٔ بُن، در سال ۱۳۸۲ قانون اساسی مبتنی بر نظام دموکراسی، رعایت موازین و معیارهای حقوق بشری به تصویب رسید. با پیوستن افغانستان به اسناد و معاهدات بین‌المللی، گسترش روزافزون نرخ و نوعیت بزه‌کاری و عدم کارشناسی‌بودن قانون مجازات مصوب ۱۳۵۵ حقوق‌دانان افغانستان، دادگاه عالی و وزارت عدلیه به دنبال تصویب قانون مجازات شدند، که بتوانند به تمام نیازهای جامعهٔ افغانستان پاسخ بدهد. پیش‌رفت‌های عمده‌یی که در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و به‌خصوص حقوق در کشور پدید آمده بود، ایجاد می‌کرد، مجموعه‌یی واحد، که شامل همه قوانین جزایی باشند، جمع‌آوری گردیده و در قالب یک کُد به تصویب برسد. بناءً تصمیم بر آن شد به جهت رفع نواقص قوانین جزایی، رعایت اصول و مقررات پذیرفته‌شدهٔ بین‌المللی و به جهت دسترسی آسان مخاطبان دستگاه عدالت قضایی، کُد جزا طراحی گردد (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۸: ۱ / ۲). بنابراین در سال ۱۳۹۱ ه. ش، طی فرمان رئیس‌جمهور اشرف غنی، کمیسیون را مؤظف کرد تا کُد جزای واحدی را که تمام احکام جزایی در یک قانون جمع‌آوری شده باشند، تهیه کنند. کمیسیون

^۱ ماده ۹۷، قانون جزای عمومی ۱۳۵۵: «جزاهای اصلی عبارت است از اعدام، حبس دوام، حبس طولیل، حبس متوسط، حبس قصیر و جزای نقدی».

^۲ ماده ۱۲۲، قانون جزای عمومی ۱۳۵۵: «تدابیر امنیتی عبارت است از: تدابیر سلب‌کنندهٔ آزادی، تحدیدکنندهٔ آزادی، تدابیر سلب‌کنندهٔ حقوق و تدابیر مالی».

^۳ ماده ۱۶۷، قانون جزای عمومی ۱۳۵۵: «جرم به یکی از اسباب آتی ساقط می‌گردد: وفات متهم و عفو عمومی».

^۴ فقره ۳، ماده ۴۰، قانون جزای عمومی ۱۳۵۵: «محکمه به اساس مطالبهٔ سازنوال یا صواب‌دید خود می‌تواند بدون قید زمان به تعلیق تدابیر امنیتی حکم نماید».

مذکور متشکل از نماینده‌گان نهادهای عدلی - قضایی، وزارت‌خانه‌ها، جامعه مدنی، هم‌کاری برخی از نهادهای خارجی، مانند دفتر ملل متحد برای مبارزه با جرم و مواد مخدر، پولیس اتحادیه اروپا و GSSP بود، که طرح مقدماتی آن ترتیب و مسوده را جهت تدقیق به وزارت عدلیه سپرد. کمیته تدقیق وزارت عدلیه از سوی رئیس‌جمهور تعیین و به تدقیق کُد مذکور پرداخت (همان: ۱۳). در نهایت، کُد جزای مذکور در سال ۱۳۹۶ توسط فرمان رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا شد.

تعیین جزاهای بدیل حبس در کُد جزای افغانستان، یک اقدام جدید و تازه‌ای بود که وارد نظام حقوقی افغانستان گردید. پیش‌بینی جزاهای مذکور ناشی از انتقاداتی است، که بر مجازات حبس وارد شده است. سازوکارهایی را که کمیسیون مؤظف به‌عنوان جزاهای بدیل حبس در کُد جزا تعیین نموده است، بیش‌تر به جامعه‌یی مرفقی مطابقت دارد، نه جامعه افغانستان؛ زیرا، یکی از مؤلفه‌های جزاهای بدیل حبس، نظارت الکترونیکی است، با این‌که در خیلی از جاهای افغانستان هنوز برق به‌صورت ۲۴ ساعته وجود ندارد، پس چه‌گونه می‌توان جزاهای بدیل حبس را با واقعیت‌های عینی این جامعه تطبیق داد؟ بدین‌جهت است، که اگر به‌صورت واقعی در نهادهای عدلی و قضایی افغانستان توجه شود، جزاهای بدیل حبس به‌صورت محدودی اجرا می‌شدند، که عمده‌ترین دلیل‌شان وجود فرهنگ حبس‌محور در سیاست جنایی افغانستان بود، که قاضی را مکلف می‌نمود در صورت ارتکاب جرم معین، بزه‌کار را به مجازات حبس مشخص‌شده قانونی محکوم نماید (حلیمی، ۱۴۰۰: ۲۳). دلیل دیگری را که می‌توان از آن یاد کرد، عدم مطابقت سازوکارهای بدیل حبس با ساختار اجتماعی و نهادهای متولی این امر بود.

۴. تبیین جزاهای بدیل حبس در مرحله کیفر‌گذاری

طردن‌مردن بزه‌کار از جامعه، محصور‌کردن آن در قالب کیفر حبس، گذاشتن آن در محیط آموزش‌های بزه‌کاری، علاوه بر محروم‌ساختن وی از خدمات اجتماعی و کارآمدی وی در جامعه باعث می‌شود تا از حقوق و امتیازات اجتماعی نیز محروم گردیده، حالت انزوا و خودزنی به وی رخ می‌دهد. تأثیر محیط زندان بر فرد زندانی، معاشرت او با دیگر زندانیان خطرناک و تأثیر اثرات مخرب محیط زندان بر وی، زمینه بازاجتماعی‌شدن بزه‌کار را در جامعه سخت و دشوار می‌سازد. قانون‌گذار در خصوص مجرمان، نحوه برخورد با آن‌ها و حفظ نظم در جامعه دو نوع روی‌کرد را در نظر گرفته است. در خصوص مجرمان خطرناک، مجرمانی که بیش‌تر به نظم اجتماعی آسیب زده‌اند و جرایمی که مجازات آن بالاتر از حبس پنج سال می‌باشد، حبس تنفیذی در نظر گرفته است؛ اما در خصوص جرایم کم‌اهمیت که جامعه در مورد آن‌ها واکنش کم‌تری نشان می‌دهد، مجازات‌های بدیل حبس را پیش‌بینی نموده است.

صاحب‌نظران عرصه جرم‌شناسی بر این باورند که به‌ترین راه اصلاح و درمان فرد بزه‌کار، داخل همان جامعه‌یی است که بزه‌کار در آن‌جا متولد شده و یا هم زنده‌گی می‌کند (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۲۵). ضمن اشاره به نظریه‌های جرم‌شناختی در مورد اصلاح بزه‌کار، می‌افزایند: «با توجه به دیدگاه یا «نظریه تعامل‌گرا» که در واقع ورود فرد به فرایند کیفری مخصوصاً زندان را به‌عنوان یک عامل «برچسب‌زننده»، معرفی می‌کند. در این چهارچوب، فرد از اجتماع و جمعیت فاصله می‌گیرد و به جمعیت برچسب‌خورده جامعه اضافه می‌شود. فرد، خود را جدای از جامعه تلقی می‌کند. دیدگاه مذکور به ما تأکید می‌کند که فرد اصولاً به فرایند کیفری وارد نشود یا حداقل به مجازات حبس محکوم نشود. دیدگاه دیگری که بر مجازات جای‌گزین‌ها تأکید می‌کند، دیدگاه «کنترل اجتماعی» است. کنترل اجتماعی مبتنی بر پیوند بین فرد و جامعه است. حبس موجب تضعیف پیوند اجتماعی می‌شود؛ یعنی وقتی فرد را از جامعه جدا می‌کنیم، رابطه‌یی که او در جامعه برقرار نموده از جامعه قطع می‌شود؛ بنابراین، خود این فرایند، دارای آثار جرم‌زا است و به دنبال آن، فرد دیگر احساس تعهد نسبت به جامعه نخواهد داشت» (مهدوی، ۱۳۹۳: سخن‌رانی ارائه‌شده در همایش مجازات‌های جای‌گزین حبس و راه‌کارهای اجرایی آن، برگزار شده در پژوهش‌گاه قوه قضائیه ایران). در اعمال مجازات حبس‌های کوتاه‌مدت، نه‌تنها رابطه فرد بزه‌کار با جامعه داشته قطع می‌شود، بل که تعلقات و وابسته‌گی فرد به جامعه از بین می‌رود و دیگر خود را متعلق به جامعه ندانسته، که مرتکب جرم نشود. یعنی آن وابسته‌گی‌یی که قبلاً نسبت به جامعه و دولت احساس می‌شد، دیگر در وجود فرد بزه‌کار از بین رفته و خود را مخالف و دشمن قدرت حاکمه می‌پندارد.

قبل از تصویب کُد جزای افغانستان، آمار زندانیان هر سال نسبت به سال گذشته بیش‌تر می‌شد. یافته‌های مرکز بین‌المللی مطالعات زندان‌ها (ICPS) در سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد، که در افغانستان از هر ۱۰۰ هزار تن، ۷۴ تن آن‌ها در زندان‌ها هستند. بنابر آن‌چه که این مرکز بین‌المللی آماری در وب‌سایت خود به نشر رسانیده است، تعداد زندانیان در افغانستان از حدود ۵۲۶۱ تن در سال ۲۰۰۴ به بیش از ۲۶۵۱۹ تن در سال ۲۰۱۴ و بیش از ۳۰۰۰۰ تن در سال ۲۰۱۷ افزایش یافته است (<https://www.prisonstudies.org/country/afghanistan>). آن‌چه در این گزارش به‌نظر می‌رسد، آمار اشخاصی است که پیش از محاکمه در توقیف‌خانه‌ها به سر می‌برند بیش‌تر از آمار اشخاصی است که در زندان می‌باشند. آمار نهادهای مذکور نشان می‌دهد که بیش از ۳۱ درصد از این زندانیان را تا سال ۲۰۱۴، افراد بازداشت‌شده پیش از محاکمه (بازداشت موقت) تشکیل می‌داده است (قریشی، ۱۳۹۴، خبر پژواک). به این معنا که تعداد زیادی از اشخاصی که متهم به جرم شدند، قبل از محاکمه آزاد شده‌اند.

تحلیل جامعه‌شناختی جزاهای بدیل حبس در حقوق کیفری افغانستان [غالب]

قانون‌گذار افغانستان در سال ۱۳۹۶ ه. ش، به‌منظور جلوگیری از افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها، اقدام به تصویب قانون کیفری جدید نمود، که تمام قوانین جزایی کشور را تحت عنوان «کُد جزای افغانستان» جمع‌آوری کرد؛ البته در زمینه بعضی از رفتارهای مجرمانه قوانین جدید را وضع و در زمینه بعضی از جرایم که قبلاً جرم‌انگاری شده بود، نوآوری‌هایی نسبتاً جدیدی آورد. تا قبل از تصویب کُد جزای افغانستان، جزاهای بدیل حبس به‌عنوان جزای مستقل در قوانین کیفری افغانستان جرم‌انگاری نشده بود. قانون مجازات مصوب ۱۳۵۵ ه. ش. صرف آزادی مشروط، تعلیق مجازات و جزای نقدی را در مواردی از رفتارهای مجرمانه پیش‌بینی کرده بود؛ ولی کُد جزای افغانستان با تعیین بعضی از مجازات‌ها، به‌عنوان جزاهای بدیل حبس به‌صورت مستقیم به محکومانی که رفتارهای ممنوعه را انجام می‌دهند، پرداخته است. وضع نمودن جزاهای بدیل حبس، تلاشی است که قانون‌گذار در جهت بازسازی و اصلاح شخصیت مجرم در درون جامعه‌یی که به آن تعلق داشته و پس از تحمل محکومیت نیز در همان جامعه به فعالیت خود ادامه خواهد داد، نقش مؤثری در بازاجتماعی شدن وی ایفا می‌کند که این مهم در پرتو کاربست این نوع مجازات‌ها میسر خواهد بود (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۲۵). آن‌چه در مؤثربودن این کاربست مهم و دارای اهمیت است، کارگزاران و ناظران از تطبیق جزاهای بدیل، که ممکن است در صورت غفلت آن‌ها، مرتکب جرم با استفاده از جزاهای بدیل حبس، مانع تحقق عدالت کیفری گردد. گزارش مرکز بین‌المللی مطالعات زندان‌ها (ICPS) از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰، بیان‌گر کاهش جمعیت زندانیان می‌باشد. بر بنیاد گزارش این نهاد از سال ۲۰۱۷ الی ۲۰۲۰ تعداد زندانیانی که در سال ۲۰۱۷ بیش از ۳۰۰۰۰ تن گزارش شده بود در سال ۲۰۲۰ به ۲۲۸۳۲ تن کاهش یافته است (<https://www.prisonstudies.org/country/afghanistan>). این خود نمایان‌گر استفاده مؤثر جزاهای بدیل حبس و تأثیر آن در عدم تکرار جرم از سوی محکوم‌شده‌گان می‌باشد.

تهیه‌کننده‌گان قوانین، چهارچوب‌ها و ساختارهای دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل، نحوه و شرایط اعطا و لغو آن، ملاک‌های شایسته‌گی اعطا، تعیین مدت آن و... را همانند سایر کشورهای جهان پذیرفته‌اند؛ اما موفقیت برنامه‌های جای‌گزین حبس از جمله دوره مراقبتی و مؤثر واقع‌شدن آن‌ها، نیازمند فراهم‌نمودن بستر مناسب جهت اجرای جزاهای بدیل حبس است. در غیر این، نه‌تنها پیش‌بینی چنین برنامه‌های در مجموعه قوانین کفایت نخواهد کرد، بل که می‌تواند عوامل زیان‌باری را در اجتماع به وجود آورد؛ مانند سلب اعتماد مردم نسبت به قانون‌گذار، نظام عدالت کیفری، بی‌اثرشدن مجازات‌ها و ...

۵. تبیین جزاهای بدیل حبس در مرحله کیفرگزینی

کیفرگزینی یکی از مراحل مهم در رسیدگی به جرایم و تحقق عدالت قضایی است. آنچه در این مرحله باید مورد توجه قرار گیرد، تناسب میان جرم و مجازات‌ها است، که می‌بایست از طرف مقامات قضایی مدنظر گرفته شود. بدین لحاظ رفتارهای ممنوعه، که در جامعه دارای واکنش کم‌تری بوده و مجازات‌های آن‌ها خفیف‌تر است و یا این‌که بزه‌کار از خود حالت پشیمانی نشان داده و تمام ضررهای وارده را جبران نموده است، این فرد نباید در محیط خشن زندان و در محل یادگیری انجام رفتارهای مجرمانه و جرایم خطرناک قرار بگیرد. در این حالت اگر بزه‌کار به هدف اصلاح و تربیت به زندان فرستاده شود، کاملاً عکس آن رخ خواهد داد. یکی از مواردی که در زمینه اصلاح مجرمان مؤثر واقع می‌شود، امکان شخصی‌کردن مجازات توسط قضات در مرحله کیفرگزینی است. قانون‌گذار در تعیین مجازات هر جرمی، میزان مجازات حداقلی و حداکثری آن را تعیین نموده است، تا مقامات قضایی بتوانند در قسمت تعیین میزان مجازات هر جرم، با ملاحظه نوع و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه بزه‌کار، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال متهم، مجازات مناسب به شخصیت بزه‌کار را برای رفتار مجرمانه وی تعیین کنند (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۲۶).

اصل شخصی‌کردن مجازات زمانی ممکن خواهد بود، که واکنش‌های کیفری، علیه پدیده مجرمانه متنوع بوده و دارای گونه‌های متعددی باشد تا دادگاه در انتخاب دقیق و معقول آن دست باز داشته باشد. یکی از این موارد، که قاضی می‌تواند در راستای شخصی‌سازی مجازات‌ها کار نماید، تعیین جزاهای بدیل حبس در خصوص مجرمانی است، که جرایم آن‌ها کم‌اهمیت بوده و نظم عمومی جامعه را زیاد مورد خدشه قرار نداده است. پس جزاهای بدیل حبس، برای جوانان و افرادی که برای بار اول مرتکب جرم می‌شوند و افرادی که نسبت به اعمال ارتكابی خویش، حالت پشیمانی و ندامت را به همراه دارند، این نوع از مجازات به‌ترین گزینه است؛ زیرا با اجرای این روش‌ها از یک طرف ثبات خانواده‌گی مجرم حفظ گردیده و اصل شخصی‌کردن مجازات‌ها را نیز تضمین می‌کند و از طرف دیگر، اصلاح بزه‌کار را در دستور کار قرار می‌دهد (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۰۰). اشخاصی که دارای موقعیت اجتماعی هستند و در جامعه به‌عنوان افراد نسبتاً خاص مطرح اند، انجام خدمات اجتماعی - شهری، آموزش‌های فنی و حرفه‌یی که به‌عنوان یکی از جزاهای بدیل حبس می‌باشد، راه‌کار خوبی در جهت بازاجتماعی‌شدن آن‌ها، جلوگیری از انگ مجرمانه و جامعه‌پذیری است. تشخیص انتخاب مجازات جای‌گزین حبس و اعمال آن بر مرتکبان رفتارهای مجرمانه، بر عهده قاضی پرونده است. بر این اساس شخصی‌که در راستای امر قضاوت نشسته می‌بایست وضعیت و شخصیت بزه‌کار، حالت و شرایط وی در ارتکاب جرم، اصلاح و بازپروری بزه‌کار در جامعه و بررسی سازوکار اجتماعی جهت مؤثر واقع‌شدن مجازات را مورد بررسی قرار داده و جزایی را تعیین کند که در امر اصلاح، تربیت و

تحلیل جامعه‌شناختی جزاهای بدیل حبس در حقوق کیفری افغانستان

بازاجتماعی شدن مؤثر واقع شود. تعیین نمودن جزاهای بدیل حبس به محکوم‌علیه وابسته به بعضی از شرایط است، که بزه‌کار خودش آن شرایط را در نزد محکمه ثابت کند.^۱ قاضی پرونده باید به اقناع وجدانی مبنی بر ندامت وی از ارتکاب جرم، اصلاح و بازگشت وی در جامعه و دفع حالت تکرار جرم، برسد.^۲ به دیگر سخن، قاضی باید بر این علم برسد که شخص بزه‌کار کاملاً اصلاح شده و دیگر احتمال نمی‌رود که وی دوباره مرتکب رفتارهای ممنوعه بشود.

یکی از ویژگی‌های مثبت کُد جزای افغانستان، انعطاف‌پذیری بودن اجرای مجازات حبس و امکان تحقق تخفیف یا تبدیل مجازات، بعد از صدور حکم قطعی محکمه است. براین‌اساس، محکمه می‌تواند با توجه به شخصیت بزه‌کار و وضعیت مناسب او جهت اصلاح و پذیرش مقررات اجتماعی، به بدیل حبس حکم کند.^۳ به‌منظور قطعیت و حتمیت این حکم، محکوم‌علیه اگر مرتکب جرم دیگر شود، علاوه بر مجازات جرم مرتکب شده، مجازات باقی‌مانده جزای بدیل حبس نیز به حبس تنفیذی تبدیل می‌گردد (کُد جزای افغانستان، ماده ۱۵۲). قانون‌گذار افغانستان شرایطی را در تعیین جزاهای بدیل حبس در ضمیمه ۲ قانون اجراءات جزایی افغانستان مدنظر گرفته است^۴ که وجود چنین شرایطی در اصلاح و تربیت بزه‌کار قطعاً مؤثر خواهد بود.

چنان‌که قبلاً نیز اشاره شد، سازوکارهایی که در کُد جزای افغانستان در خصوص تعیین جزاهای بدیل پیش‌بینی شده است با معیارهای عینی ساختار اداری حکومت و نهادهای عدلی و قضایی افغانستان هم‌خوانی ندارند. شهرها و روستاهای افغانستان آن‌چنان پیش‌رفت و ترقی نکرده که بتوان جزاهای بدیل حبس را به‌صورت مؤثر تطبیق نمود. دسترسی به پرونده‌های نهادهای عدلی و قضایی مقدور نیست و سائیتی هم وجود ندارد، که پرونده‌های بایگانی‌شده نهادهای عدلی و قضایی از طریق آن مورد کاوش قرار بگیرد؛ بنابراین، از مسؤولان مربوط در خصوص تعیین جزاهای بدیل

۱. ماده ۴، ضمیمه شماره ۲ قانون اجراءات جزایی افغانستان: «(۱) محکمه مرتکب جرم را با رعایت احکام مواد ۱۴۹، ۱۵۱ و سایر مواد کُد جزا و در صورت داشتن شرایط ذیل به بدیل حبس محکوم می‌نماید: ۱. پرداخت خساره وارده؛ ۲. کسب رضایت متضرر؛ ۳. تمهید مبنی بر رعایت شرایط مندرج حکم و اجرای صادقانه قواعد مربوط؛ ۴. تمهید مبنی بر عدم ارتکاب جرم در آینده. (۲) هرگاه طفل به بدیل حبس محکوم گردد، ممثل قانونی وی مکلف است رعایت شرایط و اجرای رهنمود مندرج فقره (۱) این ماده را طور کتبی تمهید نماید.»

۲. جزاهای بدیل حبس با نظر داشت نوعیت و خصوصیت جرم مرتکب، شخصیت مرتکب، دفعات ارتکاب جرم، وضعیت مجنی‌علیه، نتایج ناشی از ارتکاب جرم و سایر جهات مخففه جرم تعیین می‌شود.»

۳. ماده ۸، ضمیمه شماره ۲، قانون اجراءات جزایی افغانستان: «محکمه می‌تواند بالاتر پیش‌نهاد امر محبس مربوطه از طریق سازنوالی که اصلاح حال محکوم‌علیه را نشان دهد، در مورد میعاد باقی‌مانده حبس محکوم‌بهای وی با رعایت حکم ماده دهم این ضمیمه و احوال ذیل، به بدیل حبس تصمیم اتخاذ نماید: ۱. در صورتی که مدت حبس محکوم‌علیه بیش از سه تا ده سال بوده و نصف مدت حبس خویش را در محبس سپری نموده باشد. ۲. در صورتی که مدت حبس محکوم‌علیه، بیش از یک تا سه سال بوده و حداقل یک سال از حبس خویش را در محبس سپری نموده باشد.»

۴. ماده ۷، ضمیمه شماره ۲ قانون اجراءات جزایی افغانستان: «(۱) محکمه حین اصدار حکم به بدیل حبس موافقه محکوم‌علیه و در بدیل حبس موافقه مجبور و ممثل قانونی وی را مبنی بر نوع بدیل حبس یا حبس در نظر می‌گیرد. (۲) محکمه حین اصدار حکم به انجام خدمات عامه، رضایت محکوم‌علیه را اخذ می‌نماید. (۳) محکم شرایط خاص تطبیق بدیل حبس یا حبس را در حکم خود تصریح می‌نماید.»

حبس، به صورت غیرحضوری مصاحبه گردیده است.^۱ آن چه از براینده این مصاحبه‌ها به دست می‌آید، مؤثر واقع شدن جزاهای بدیل حبس نسبت به مجازات حبس برای بزه کار است.^۲ دایکندی یکی از ولایات دورافتاده افغانستان است، هنوز مانند شهرهای چون کابل، مزار و هرات، آن چنان پیشرفت و ترقی نکرده است. سازوکارهای جزاهای بدیل حبس مانند دوره مراقبت نیازمند داشتن بعضی شرایط اوضاع و احوال برای محکوم علیه می‌طلبد و حبس در منزل نیازمند نظارت الکترونیکی است، با این محیط قابل تطبیق نیست اما قضاات دادگاه این استان، در دو سال اخیر حکومت جمهوریت،^۳ حدود ۲۰ الی ۳۰ تن از محکومین را به انجام خدمات عامه^۴ و حدود ۴ الی ۷ تن را به جزای خودداری از راننده‌گی محکوم نموده است.^۵

۶. تبیین جزاهای بدیل حبس در مرحله کیفردهی

یکی از مراحل مهم در تطبیق عدالت کیفری، با استفاده از جزاهای بدیل حبس در فراینده رسیدگی به جرم، مرحله کیفردهی است. بدین مفهوم که اگر نظارت درست و مؤثر از اجرای جزاهای بدیل حبس، در این مرحله صورت نگیرد، محکوم علیه نه تنها اصلاح نشده، بل که دست‌گاه عدالت قضایی و حاکمیت قانون را به باد تمسخر می‌گیرد و جرم شدیدتر از آن را مرتکب خواهد شد. به دیگر سخن، بزه کار به جای این که از دست‌گاه عدالت قضایی و تطبیق قانون هراس داشته باشد، دست‌گاه عدالت قضایی و عدم تطبیق قانون را مشاهده می‌کند. بدین جهت است، که می‌بایست نظارت مؤثر و دوام‌دار از جزاهای بدیل حبس از طرف نهادهایی که وظیفه نظارت را بر عهده دارند، باید صورت بگیرند.^۶ برخی از حقوق دانان معتقد بر این اند، که اعمال جزاهای بدیل حبس، در صورتی که با سیستم دست‌گاه قضایی و سیستم نظارتی آن، سازوکاری و هم‌آهنگی لازم با اجتماع را نداشته باشند، مشکلات زیادی را به همراه خواهند داشت (بن سعید و هم‌کاران، ۱۳۹۹: ۲۸۱). با آن هم از آن جایی

^۱ در این خصوص با شیرحسین سحر، رئیس دادستانی ولایت دایکندی، حسین‌علی فیضی، دادستان تنفیذ احکام ریاست جمهوری در دایکندی و علی‌جمعه احمدی دادستان نظارت در دادستانی کل کشور مصاحبه صورت گرفته است. تهران: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵.

^۲ احسان مهدوی یکی از فعالین جامعه مدنی دایکندی، در خصوص بازاجتماعی‌شدن بزه کار با تطبیق جزاهای بدیل حبس و عدم برچسب مجرمانه، در جامعه، خوش‌بین بود و آن را نسبت به مجازات حبس مؤثر خواند.

^۳ سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ ه. ش.

^۴ افراد و اشخاصی که به انجام خدمات عامه؛ مانند تدریس نمودن در مکاتب دولتی محکوم شدند، کسانی بودند که قبلاً وظیفه معلمی داشتند و یا کسانی بودند که دارای سواد کافی بودند. اما اشخاص عادی جامعه در اداره شهرداری، به عنوان تنظیف شهری و در اداره محیط زیست به عنوان جنگل‌بان توظیف شدند.

^۵ آمار مذکور به صورت تخمینی از مصاحبه‌های انجام شده از دادستانی ولایت دایکندی به دست آمده است.

^۶ ماده ۵۵، ضمیمه شماره ۲ قانون اجراءات جزایی افغانستان: «محکمه مکلف است در حکم خود، مرجع نظارت‌کننده، مرجع تنفیذ حکم و مرجع استحصالی‌کننده خدمات عامه را مشخص و وظایف و مکلفیت‌های آن‌ها را توضیح نماید»؛ ماده ۶۴ ضمیمه شماره ۲ قانون اجراءات جزایی افغانستان: «طرز تنفیذ حکم و نظارت از بدیل حبس یا حجز مندرج این ضمیمه با نظر داشت حکم ماده ۱۵۴ کود جزا، با رعایت سلسله مراتب از طریق سازنوالی صورت می‌گیرد».

تحلیل جامعه‌شناختی جزاهای بدیل حبس در حقوق کیفری افغانستان [غالب]

که زندان‌ها در بسیاری از کشورها مشکلات زیادی را به وجود آورده است و انتقاد سختی از این نهاد اجرای واکنش کیفری شده است (کی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱/ ۴۵). افغانستان از جمله کشورهای فقیر محسوب می‌شود. مشکلاتی چون عدم تأمین منابع مالی زندان، تأمین محیط امن، ایجاد مراقبت‌های جدی پزشکی، آموزش جهت اصلاح و تربیت و حرفه‌آموزی برای زندانیان، در این کشور نیز همانند سایر کشورهای جهان سوم وجود دارند، که این امر جدایی از تأثیرات سوء محیط زندان بر بزه‌کاران نیست (گودرزی و مقدادیان، ۱۳۸۴: ۲۲). اما برخی حقوق‌دانان و قضات عقیده دارند، که مجازات‌های جای-گزین حبس نیازمند اصلاح زیربنایی دست‌گاه قضایی ندارند؛ زیرا می‌توان تنها با کمی تأمل، تفکر و تغییرات کوچک این نوع از مجازات‌ها را اعمال کرد. نتایج و پیامدهای به دست آمده از اعمال چنین مجازات و تأثیرگذاری آن بر مجرمان کم‌سن‌وسال، حاکی از مؤثر بودن و توجه به آینده‌نگری مجرمان است (بن سعید و هم‌کاران، ۱۳۹۹: ۲۸۱). قانون‌گذار افغانستان نیز عدم موجودیت و یا نبود دسترسی به مراجع نظارت‌کننده را مانع حکم به جزاهای بدیل حبس ندانسته است. به دیگر سخن، محکمه می‌تواند مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی و یا قابل اعتماد و یا یک نهاد مشخص را جهت نظارت از تطبیق جزاهای بدیل حبس تعیین کند.^۱

بنابراین در این مرحله از فرایند کیفری، مهم‌ترین مسأله در تحقق عدالت کیفری تأیید و یا نقد دست‌گاه عدالت قضایی توسط وجدان عمومی جامعه است. با آن‌هم سازوکارهای تقنینی و قضایی در عرصه قضاوت‌دایی، کاهش جمعیت زندان‌ها، اصلاح واقعی بزه‌کار و عدم تکرار جرم توسط وی، گامی است به سوی پیش‌رفت کشور در عرصه عدالت کیفری و نشانی از مؤثریت آن است. تعیین سازوکارها و تشویق بزه‌کار به اصلاح و تربیت در مرحله‌ی کیفردهی بیان‌گر این امر خواهد بود.^۲ محکومانی که در ولایت دایکندی به اجرای خدمت عامه محکوم‌شده بود، گزارش کاری و نحوه عمل‌کردشان توسط اداره مستقیم به‌صورت ماهانه به پولیس محل گزارش داده می‌شد.

۷. مناقشه

آن‌چه از برآیند تحقیق مذکور حاصل می‌گردد، تغییرپذیری روی‌کرد قانون‌گذار افغانستان در خصوص مجازات‌های اصلی است. در سال ۱۳۹۶ قانون‌گذار افغانستان با تبعیت از اسناد بین‌المللی، متأثر از

^۱ . فقره ۲، ماده ۵۶، ضمیمه شماره ۲ قانون اجراءات جزایی افغانستان: «عدم موجودیت یا عدم دسترسی به مرجع نظارت‌کننده، مانع تنفیذ حکم محکمه به مجازات بدیل حبس یا حجز نمی‌گردد. در صورتی که محکمه دریابد که نظارت برای محکوم بدیل حبس یا حجز لازم است، محکمه می‌تواند شخص قابل‌اعتماد، کارکن اجتماعی، مؤسسه اختصاصی خدمات اجتماعی، پولیس یا سارنوال را موظف نماید».

^۲ . ماده ۸، ضمیمه شماره ۲ قانون اجراءات جزایی افغانستان: «محکمه می‌تواند بالاتر پیش‌نهاد آمر محبس مربوطه از طریق سارنوالی که اصلاح حال محکوم‌علیه را نشان دهد، در مورد میعاد باقی‌مانده حبس محکوم‌بهای وی با رعایت حکم ماده دهم این ضمیمه و احوال ذیل، به بدیل حبس تصمیم اتخاذ نماید: ۱. در صورتی که مدت حبس محکوم‌علیه، بیش از سه تا ده سال بوده و نصف مدت حبس خویش را در محبس سپری نموده باشد. ۲. در صورتی که مدت حبس محکوم‌علیه، بیش از یک تا سه سال بوده و حداقل یک سال از حبس خویش را در محبس سپری نموده باشد».

جنبش‌های حبس‌زدایی و فرهنگ حاکم در جامعه، جزاهای بدیل حبس را در کُد جزای افغانستان تعیین و آن را جزو جزاهای اصلی برشمرد. هرچند جزاهای بدیل حبس به شکل سنتی آن در قانون جزای ۱۳۵۵ هم تصویب شده بود؛ ولی قانون‌گذار در کُد مذکور، آن را به شکل مدرن‌تر تعیین کرد، که نظارت الکترونیکی از محکومان به جزای بدیل حبس، یک نمونه بارز آن است. تغییرپذیری جزای حبس به جزای بدیل حبس در هنگام اجرای کیفر حبس (با این شرط که اصلاح مجرمان در زندان محرز گردد)، نمونه دیگری از روی کرد اجتماعی به پدیده مجرمانه است. بدین مفهوم، که نگاه به مجرم، نگاه جامعه‌شناسانه است. توضیح آن که مجرم تحت عوامل اجتماعی و فردی قرار گرفته مرتکب جرم شده است. پس اگر اصلاح و حالت ندامت در وی محرز گردد، نباید در محیط زندان فرستاده شود.

اگر از زاویه جامعه‌شناختی به کارکرد جزاهای بدیل در افغانستان نگریسته شود، تا آن‌جا که منابع و اطلاعات در دسترس بوده و تحقیق در این زمینه صورت گرفته است، کارکرد به‌تری نسبت به اعمال مجازات حبس در خصوص اصلاح و بازاجتماعی کردن مجرمان در جامعه داشته است. از سویی هم محکوم‌نمودن مجرمان به انجام خدمات اجتماعی، نه‌تنها باعث کاهش هزینه‌های دولت می‌گردد، بل که درآمد هم از انجام خدمات اجتماعی نصیب دولت شده است. هرچند تحقیقات در زمینه جزاهای بدیل حبس در کُد جزای افغانستان از سوی دانش‌جویان رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی صورت گرفته است؛ ولی هیچ‌یک از محققان به جنبه اجتماعی جزاهای بدیل حبس نپرداخته است. تحقیق در حوزه علوم اجتماعی، خصوصاً پرداختن به کارکرد و نقش یک پدیده اجتماعی، نیازمند آمارهای رسمی از سوی دولت است. از این‌که تحقیق مذکور باتوجه به شرایط موجود در کشور نتوانسته به آمار دقیق از زندانیان و محکوم‌شده‌گان به جزای بدیل حبس از سوی محاکم، دسترسی پیدا کند، شاید بتوان آن را مورد نقد قرار داد.

۸. نتیجه‌گیری

جرم، مجرم و مجازات، همیشه هم‌گام با بشر بوده است. بشر، هم‌واره جهت مهارکردن جرم، واکنش‌های متعددی از خود در جامعه نشان داده است. این واکنش‌ها دارای روی کرد سرکوب‌گر نسبت به مجرم بوده است. روی کرد بعدی‌یی که جامعه در قبال پدیده مجرمانه از خود نشان می‌داد، اصلاح‌گرایی و بازپروری مجرم در جامعه است. در این نوع نگرش مجرم تحت تأثیر پدیده‌های گوناگون اجتماعی قرار گرفته، عوامل زیستی - محیطی آن را به جرم سوق می‌دهد، که در این واکنش، مجرم باید از طریق حبس، اصلاح و درمان شده و به جامعه بر می‌گشت. بر این مبنا مجازات حبس از جمله مجازات‌های اصلی به‌شمار می‌رفت و تقریباً همه کشورها بیش‌ترین واکنش خود را در

قبال پدیده مجرمانه از طریق اجرای مجازات حبس اعمال می‌کردند. با گذشت چندین دهه از این روی کرد، مشخص شد، که مجازات حبس نه تنها اصلاح و بازپروری مجرم را در پی ندارد، بل که هزینه گزاف و اضافی است، که به دوش دولت قرار گرفته است. با ظهور مکاتب الغاگرایی و جنبش‌های حبس‌زدایی که خواهان حذف مجازات و گاهی هم کل نظام کیفری بود، تغییرات قابل ملاحظه‌ایی را در عرصه حقوق کیفری به وجود آورد. با نقد منتقدان از مجازات حبس و تصویب اسناد بین‌المللی، که در عرصه حبس‌زدایی و قضازدایی صادر شدند، جزاهای بدیل حبس در حقوق کیفری بعضی از کشورها تعیین و پیش‌بینی شدند. هرچند قانون‌گذار افغانستان، جزاهای بدیل حبس را به شکل سنتی آن در قانون مجازات مصوب ۱۳۵۵ وضع نموده بود، اما در سال ۱۳۹۶ با تصویب کُد جزای افغانستان، جزاهای بدیل حبس را به شکل مدرن مورد توجه قرارداد. بر این مبنای که جرم یک پدیده اجتماعی است، در هر جامعه‌یی وجود داشته و وجود خواهد داشت. بنای ضرورت ایجاد می‌کند که در جرایم کم‌اهمیت، از بدیل حبس استفاده گردد تا از یک طرف، جمعیت کیفری زندان‌ها و هزینه‌های گزاف حکومت جلوگیری گردد و از طرف دیگر، شخص بزه‌کار را در محیط زندان و محل وجود زندانیان حرفه‌یی و خطرناک قرار نگیرد، که تحت تأثیر رفتارهای آن‌ها جرم‌های خطرناک را می‌آموزند.

تعیین جزاهای بدیل حبس در مرحله کیفرگزینی، وابسته به شرایط، اوضاع و احوال جرم، مجرم و بزه‌دیده است، که با اقدامات مقامات قضایی و موافقت محکوم‌علیه صورت می‌گیرد. اگر نگاهی به جامعه بیندازیم، سازوکارهای عملی و نظارتی جزاهای بدیل حبس آن گونه که در کُد جزای افغانستان تعیین گردیده، وجود ندارد. بدین لحاظ است که تا هنوز تعدادی محدودی از مجرمان به جزاهای بدیل حبس محکوم می‌شدند. مرحله دیگری از فرایند کیفری که از دیدگاه جامعه‌شناختی در تبیین جزاهای بدیل حبس مؤثر است، مرحله کیفردهی است. با توجه به ساختارها و سازوکارهایی که دولت افغانستان داشته، در این مرحله زیاد موفق نبوده، اما اگر آن را با جزای حبس مقایسه کنیم، نسبت به مجازات‌های حبس به‌تر در قسمت اصلاح و درمان بزه‌کار عمل کرده است. مشکلات عمده‌یی که در این مرحله وجود دارد، عدم وجود نهادهای خدمات اجتماعی جهت استفاده از مجرم، عدم وجود نهاد نظارتی و تحت‌نظر داشتن محکوم‌علیه در تمام افغانستان است.

۹. پیش‌نهادهای

هرچند با تغییر نظام افغانستان، نظام حقوق کیفری این کشور نیز دچار تغییرات اساسی شده است، قواعد جزایی فقهی بر قوانین مدون و وضعی حکومت جمهوری، برتری یافته و محاکم افغانستان به براساس متون فقهی و قواعد جزایی فقهی، احکام صادر می‌نمایند؛ اگر به متون فقهی مراجعه گردد،

در بعضی از قضایای موجود در زمان پیامبر اسلام (ص) و یا خلفای راشدین، متهم یا بزه کار را با یک موعظه و انجام خدمات کوچک اجتماعی محکوم می نمودند. بر این اساس، لازم است در کنار جزای فقهی - اسلامی، از جزاهای بدیل حبس هم برای اصلاح بزه کاران و بازاجتماعی کردن آن ها استفاده گردد.

موارد ذیل به عنوان عوامل تأثیرگذار در مؤثریت جزاهای بدیل حبس پیش نهاد می گردد:

۱. قانون گذار افغانستان سازوکارهای نظارتی را در مطابقت با شرایط عینی جامعه، در اعمال جزاهای بدیل حبس تعیین و دولت افغانستان موارد آن را تهیه و عملی کند؛
۲. قانون گذار افغانستان جزاهای بدیل را با توجه به فقه اسلامی بازنگری و به عنوان یکی از مجازات های اصلی در نظر گرفته و آن را اجرا نمایند؛
۳. قانون گذار تدابیر تأمینی و اداری را به منظور عدم گزارش و یا عدم گزارش مؤثر مسؤولان و نهادهای نظارتی از اعمال جزاهای بدیل را به عنوان جرایم علیه عدالت قضایی جرم انگاری کند؛
۴. مسؤولان عدلی - قضایی و مسؤولان محاسبات و توقیف خانه ها، آموزش های علمی و مسلکی را در جهت نحوه اعمال جزاهای بدیل، چه گونه گی نظارت از اصلاح محکوم علیه و گزارش آن به محکمه به عنوان تطبیق جزاهای بدیل حبس را ببینند؛
۵. مسؤولان و نهادهای نظارتی، آموزش های علمی و مسلکی را در قسمت چه گونه گی نظارت و نحوه ترتیب گزارش از اعمال جزاهای بدیل حبس را ببینند.

ORCID

Hussain Sharifi Ziraksar



<https://orcid.org/0009-0003-9281-3761>

Omid Rostami Ghazani



<https://orcid.org/0000-0003-3148-7491>

سرچشمه ها

۱. انتشارات محسن. (۱۳۹۳). **تاریخ مختصر پنج دهه افغانستان**. ۱. کابل: انتشارات محسن.
۲. الهام، عبدالله. (۱۳۹۹). «**بديل های حبس در قانون کیفری ایران و افغانستان**». به راهنمایی: سیدمحمدی سیدزاده هاشمی. برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد. دانش کده حقوق و علوم سیاسی دانش گاه فردوسی مشهد. مشهد. ایران.

۳. بن‌سعید، رحمان و هم‌کاران. (۱۳۹۹). «بررسی و تحلیل کیفرشناختی مجازات‌های جایگزین حبس». فصل‌نامه علمی تحقیقات حقوق آزاد، ش ۴۸. ۲۷۷-۲۹۸. https://journals.iau.ir/article_۶۸۳۸۵۶.html
۴. پرادل، ژان. (۱۳۹۰). تاریخ اندیشه‌های کیفری. ج ۵. ترجمه علی‌حسین نجفی‌ابرن‌آبادی. تهران: سمت.
۵. توجهی، عبدالعلی. (۱۴۰۲). نهادهای ارفاقی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). مبسوط ترمینولوژی حقوق، ج ۲. تهران: گنج دانش.
۷. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانش‌گاه تهران.
۸. حلیمی، محمد صادق. (۱۴۰۰). «مجازات جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران و افغانستان». به راه‌نمایی: رحمت‌الله رضایی. برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد. دانش‌کده فقه و حقوق دانش‌گاه جامعه المصطفی (ص) العالمیه - واحد گرگان. گرگان. ایران.
۹. رستمی‌غازانی، امید. (۱۴۰۱). «تبیین جامعه‌شناختی کیفر در نظریه کارکردگرایی دورکیم». در: حقوق کیفری پویا/ مجموعه مقالات در پاسداشت استاد دکتر محمدعلی اردبیلی، به کوشش مهرا نسیرین و امیرحسین نیازپور. تهران: میزان. ۱۱۴۶-۱۱۲۴.
۱۰. شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان. سرنوشت سیاسی حزب دموکراتیک خلق (۱). تاریخ نشر: ۱۳۹۹/۹/۱۷، کد خبر: ۱۶۵۷۲۶؛ <http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=۱۶۵۷۲۶>
۱۱. صادقی‌فسایی، سهیلا و ستاره پروین. (۱۳۹۰). «جرم: برساخته ذهنیت، گفتمان و قدرت». فصل‌نامه پژوهش حقوق و سیاست. ش ۳۳. ۲۳۲-۲۱۹. https://qjpl.atu.ac.ir/article_۱۲۴۲۴.html
۱۲. صفاری، علی. (۱۳۶۸). کیفرشناسی، تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی. تهران: جنگل.
۱۳. صلاحی، جاوید. (۱۳۹۵). کیفرشناسی. ج ۴. تهران: میزان.
۱۴. ضمیمه شماره ۲، قانون اجراءات جزایی افغانستان، مصوب ۱۳۹۶.
۱۵. قانون اجراءات جزایی افغانستان، مصوب ۱۳۹۲.
۱۶. قریشی، احمد (۱۳۹۴). «آژانس خبری پژواک». کابل: ۱۳۹۴/۱۰/۱۱.
۱۷. کد جزای افغانستان، مصوب ۱۳۹۶. <https://pajhwok.com>

۱۸. کی‌نیا، مهدی. (۱۳۹۷). **مبانی جرم‌شناسی**. ج ۱. چ ۱۸. تهران: دانش‌گاه تهران.
۱۹. گروهی از نویسندگان. (۱۳۹۸). **شرح کُد جزا**. ج ۱. کابل: بنیاد آسیا.
۲۰. گزارش سالانه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان. کابل: ۱۳۹۵، ۱۳۹۷، ۱۳۹۶، ۱۳۹۹، ۱۳۹۸. www.aihrc.org.af
۲۱. گسن، رمون. (۱۳۷۱). «بحران سیاست جنایی کشورهای غربی». ترجمه علی‌حسین نجفی-ابرن‌آبادی. مجله تحقیقات حقوقی. ش ۱۰. ۳۳۵-۲۷۷.
- <https://ensani.ir/file/download/article/pdf24-3034-20120327173729>
۲۲. گودرزی، محمدرضا و لیلا مقدادیان. (۱۳۸۴). **کیفرشناسی نوین یا کیف‌های اجتماعی**. تهران: مجد.
۲۳. لطفی، زهرا. (۱۳۹۲). «حکومت محمدداوود خان در افغانستان (۱۹۷۸-۱۹۷۳م/۱۳۵۷-۱۳۵۲ش) و سیاست ایران در قبال او در این دوره تاریخی». فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه خراسان بزرگ، ش ۱۴. ۶۶-۶۳. https://jgk.imamreza.ac.ir/article_137760.html
۲۴. محمدی، غلام‌علی. (۱۳۹۶). «تحلیل کیفرشناختی اجرای مجازات حبس در خارج از زندان و مطالعه تطبیقی آن با حقوق فرانسه». به راه‌نمایی: سیدمحمد موسوی بجنوردی. برای دریافت مدرک دکتری دانش‌کده فقه و حقوق دانش‌گاه شهید مطهری. تهران: ایران.
۲۵. مرادی، قاسم و محمدحسین مرادی. (۱۳۹۷). «عوامل عملی و نظری ناکارآمدی کیفر حبس». فصل‌نامه علمی - حقوقی قانون‌یار، ش ۵. ۱۹۲-۱۷۳. <https://www.sid.ir/paper/fa259730>
۲۶. ممتاز، جمشید (۱۳۹۱). «یونسکو و تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل در حمایت از اموال فرهنگی»: در: مجموعه مقالات همایش حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش. ۹۵-۱۰۱.
۲۷. مهدوی، محمود. (۱۳۹۳). «سخن‌رانی ارائه‌شده در همایش مجازات‌های جایگزین حبس و راه‌کارهای اجرایی آن». برگزار شده در پژوهش‌گاه قوه قضائیه. ۱۳۹۳/۸/۳. <http://ris.jri.ac.ir/banks>
۲۸. میرزایی، سارا. (۱۳۷۳). **جامعه‌شناسی جنایی**. تهران: جامعه‌شناسان.
۲۹. نجفی ابرن‌آبادی، علی‌حسین و حمید هاشم بیگی. (۱۳۹۳). **دانش‌نامه جرم‌شناسی: انگلیسی - فرانسه - فارسی**، چ ۳. تهران: گنج دانش.

۳۰. یاقوتی، منیژه. (۱۳۸۷). «تدابیر جایگزین در اسناد بین‌المللی». ماهنامه اصلاح و تربیت،

ش ۷۶. ۲۹-۳۳. <https://ensani.ir/fa/article/download/۷۷۵۷>

References

1. Mohsen Publications. (2014). A Brief History of Five Decades of Afghanistan. Kabul: Mohsen Publications.
 2. Elham, Abdullah. (2020). "Alternative Punishments in the Criminal Law of Iran and Afghanistan." Supervised by: SeyedMohammadi SeyedzadehHashemi. Master's thesis. Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad. Mashhad, Iran.
 3. Ben-Saeed, Rahman, et al. (2020). "Criminological Analysis of Alternative Punishments to Imprisonment." Scientific Quarterly of Legal Researches, No. 48. 277-298. https://journals.iau.ir/article_683856.html
 4. Pradel, Jean. (2011). History of Criminal Thoughts. 5th Edition. Translated by Ali-Hosseini Najafi-Abrandabadi. Tehran: Samt.
 5. Tavakoli, Abdolali. (2023). Pardon Institutions in the Islamic Penal Code 2013. Tehran: Center for Publications and Press of the Judiciary.
 6. Jafari Langroudi, Mohammad Jafar. (1999). Extensive Terminology of Law, Vol. 2. Tehran: Ganj Danesh.
 7. Dekhoda, Ali Akbar. (1992). Dekhoda Dictionary. Tehran: University of Tehran.
 8. Halimi, Mohammad Sadeq. (2021). "Alternative Punishments to Imprisonment in the Criminal Law of Iran and Afghanistan." Supervised by: Rahmatollah Rezaei. Master's thesis. Faculty of Jurisprudence and Law, Al-Mustafa International University, Gorgan Branch. Gorgan, Iran.
 9. Rostami Ghazani, Omid. (2022). "Sociological Explanation of Punishment in Durkheim's Functionalist Theory." In: Dynamic Criminal Law / Collection of Articles in Honor of Professor Dr. Mohammad Ali Ardabili, edited by Mehran Nasrin and Amir Hassan Niazipour. Tehran: Mizan. 1124-1146.
 10. Afghanistan Information Network. "Political Fate of the People's Democratic Party (1)." Published: 2020-12-07, Article No.: 165726; <http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=165726>
 11. Sadeghi Fasaei, Sohaila and Setareh Parvin. (2011). "Crime: Construct of Mindset, Discourse, and Power." Quarterly Journal of Law and Politics Research. No. 33. 219-232. https://qjpl.atu.ac.ir/article_2424.html
 12. Safari, Ali. (1989). Criminology, Developments, Foundations, and Implementation of Freedom-Depriving Punishments. Tehran: Jungle.
 13. Salahi, Javid. (2016). Criminology. 4th Edition. Tehran: Mizan.
 14. Annex No. 2, Criminal Procedure Code of Afghanistan, Approved 2017.
 15. Criminal Procedure Code of Afghanistan, Approved 2013.
 16. Qureshi, Ahmad. (2015). "Pajhwok Afghan News Agency." Kabul: 2016-01-01. <https://pajhwok.com>
 17. Penal Code of Afghanistan, Approved 2017.
 18. Keynia, Mehdi. (2018). Foundations of Criminology. Vol. 1. 18th Edition. Tehran: University of Tehran.
-
-

19. A Group of Writers. (2019). Explanation of the Penal Code. Vol. 1. Kabul: Asia Foundation.
20. Annual Report of the Afghanistan Independent Human Rights Commission. Kabul: 2016, 2017, 2018, 2019, 2020. www.aihrc.org.af
21. Gassin, Raymond. (1992). "Crisis of Criminal Policy in Western Countries." Translated by Ali-Hosseini Najafi-Abbrandabadi. Journal of Legal Researches. No. 10. 277-335. <https://ensani.ir/file/download/article/20120327173729-3034-24.pdf>
22. Goodarzi, Mohammad Reza and Leila Meghdadian. (2005). Modern Criminology or Social Punishments. Tehran: Majd.
23. Lotfi, Zahra. (2013). "The Government of Mohammad Daoud Khan in Afghanistan (1973-1978) and Iran's Policy Towards Him During This Period." Scientific-Research Quarterly of Greater Khorasan Research, No. 14. 63-66. https://jgk.imamreza.ac.ir/article_137760.html
24. Mohammadi, Gholam Ali. (2017). "Criminological Analysis of the Implementation of Imprisonment Outside of Prison and Comparative Study with French Law." Supervised by: Seyed Mohammad Mousavi Bojnourdi. Ph.D. dissertation. Faculty of Jurisprudence and Law, Shahid Motahari University. Tehran, Iran.
25. Moradi, Ghasem and Mohammad Hossein Moradi. (2018). "Practical and Theoretical Factors for the Inefficiency of Imprisonment Punishments." Scientific-Legal Quarterly of Qanoon Yaar, No. 5. 173-192. <https://www.sid.ir/paper/259730/fa>
26. Momtaz, Jamshid. (2012). "UNESCO and the Development of International Law in the Protection of Cultural Properties" in: Collection of Articles on the Protection of Cultural and Historical Properties in International Law. Tehran: City of Knowledge Research and Studies Institute. 95-101.
27. Mahdavi, Mahmoud. (2014). "Speech Delivered at the Conference on Alternative Punishments to Imprisonment and Their Implementation Solutions." Held at the Judiciary Research Institute. 2014-10-25. <http://ris.jri.ac.ir/banks>
28. Mirzaei, Sara. (1994). Criminal Sociology. Tehran: Sociologists.
29. Najafi Abbrandabadi, Ali-Hosseini and Hamid Hashem Beigi. (2014). Criminology Encyclopedia: English - French - Persian, 3rd Edition. Tehran: Ganj Danesh.
30. Yaghouti, Monireh. (2008). "Alternative Measures in International Documents." Monthly Journal of Correction and Rehabilitation, No. 76. 29-33. <https://ensani.ir/fa/article/download/7757>